

پس از آنکه بوسیله این آزمایش ساده، اصل کی تجاذب قطبین متخالفین و تدافع دو قطب مشابه بر ما معلوم شد از آن آزمایشگاه کوچک نظر برگرفته و صحنه بیکران طبیعت را جولانگاه نظر قرار میدهیم.

در این هنگام است که فرمائروائی ناموس لایزالی تجاذب و تدافع را با يك نظم هم آهنگ لایتغیر - در مثبت و منفی های جهان بیکران، همچنان در مثبت و منفی های انواع حیوان مشاهده خواهیم نمود. برتری می که ذیالبیان میشود:

۱ - فرمائروائی نیروی جذب و دفع در الکترودهای جهان - از این پیش (بحکم ناموس هم آهنگی ماده و قوه) معلوم شد که آسمان ها چون از عناصر لطیف (متناثر) تشکیل شده دارای الکتریسته «طیار» و قطبهای مثبت مغناطیس عام هستند و زمین ها چون از اجسام کثیف (متراکم) متشکل شده دارای کهربا و قطبهای منفی، جهان بیکران میباشد.

اکنون مشاهده میکنیم که در این فضای بیمنتها: چه قطبهای مثبت: (آسمانها) و چه قطبهای منفی: (کرات) یکدیگر را طرد نموده و در فاصله های دور از هم هر يك مسیر خود را می پیماید، لکن بعکس: هر آسمان و زمین (که تشکیل قطبین مثبت و منفی داده) همدیگر را جذب نموده و بوضع محیط و محاط در آمده و این جذب و دفع چه در عالم اقصی نهاییه بزرگی کرات و چه در عالم اقصی نهاییه کوچکی ذرات - تحت فورمول معروف دانشمند بزرگ انگلیسی «نیوتون» (که ما آنرا در قضیه معروف خود در يك بیت بنظم در آورده ایم) جهان را اداره میکنند:

«عکس مجذور فواصل، مستقیم ضرب جرم جذب ذرات و کواکب را نکومیناسنی»

۲ - فرمائروائی نیروی جذب و دفع. در الکترودهای انسان (با مطلق حیوان) پیش از این دانستید که در انواع جانوران نرها قطبهای مثبت و مادهها قطبهای منفی هستند.

يك دانشمند آلمانی اصل تدافع دو قطب مشابه (اعم از مثبت یا منفی) و تجاذب قطبین متخالف (مثبت و منفی) را در وجود افراد آدمی مورد آزمایش

قرار داد، بقرار زیر:

در يك سالون تاريخ چند تن پسر و دختر عربان بالغ را مجتمع ساخت پس دو پسر را بيكدیگر نزديك نمود، بعد دو دختر، بعد يك پسر و يك دختر را و در هر بار اشعه الكتریکی را که بدن دو بدن مجاور تولید میشدند بدقت ملاحظه و با آلات مخصوص عکس برداری نمود: نتیجه اینطور گرفت که کوران الكتریکی بین دو مثبت (دو پسر) همچنان دو منفی (دو دختر) مشوش و امواج آن متدافع است لیکن بعکس: کوران الكتریکی يك مثبت و منفی (پسر و دختر) منظم و امواج آن متجاذب میباشد (و کاملاً دراز دارد).

در اینجا متذکر میشویم که غریزه شهوت و غضب همان ناموس جذب و دفع جهان است که در وجود حیوان زنده شده! پس چنانکه در وجود جهان مثبتها (آسمانها) متدافع، همچنان منفیها (کرات) متمانع و بعکس مثبت و منفیها (هر آسمان و زمین) متجاذب هستند. در وجود حیوان نیز نرها (مثبتها) هم چنان مادهها (منفیها) با یکدیگر کین، و نر و ماده (مثبت و منفی) با همدیگر مهر میورزند.

اکنون که دانستید بین جهان و انسان مشابهت کامل (با تفاوت اجمال و تفصیل). موجود است (یا تعبیر خاصها: انسان جهان قرآنی و عالم آدم فرقانی می باشد)، و نیز فرمانروائی ناموس جذب و دفع را يك آهنگ در وجود جهان و انسان ملاحظه نمودید - من این را از شاعرانه (و در عین حال حکیمانه) را نیز برای شما فاش میکنم که چه جهان باشد، چه انسان (یا مطلق حیوان) فرق نمیکند همیشه دو رقیب: خصم و دو هوو: دشمن یکدیگرند و تنها دو عاشق و معشوق هستند که: همدیگر را در آغوش مهر و یگانگی می فشارند:

يك منظره کمدي از تدافع دو مثبت یا خصومت دو رقیب: من از آن لحظه که دو کره نر با یکدیگر روبرو شده و صدای زیر و بم آنها رفته رفته خشن تر (یا دو سیال مثبت بتدریج شدید تر) میشود، و بوسیله حرکت دادن دم (گاهی بیعین کاهبه یسار) برق شمیر یکدیگر نشان میدهند - تا آن هنگام که کاملاً در کوران تدافع دو الکتریسته مثبت مشتعل گردیده بر کرده هم زیر و رو شده پوستین یکدیگر رامیدرند